پژوهشنامۀ ایرانی سیاست بین‌الملل، دورۀ ۱۱، شمارۀ ۲، شمارۀ پیاپی ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲
دورۀ انتشار: دوفصلنامه • شاپا چاپی: 2322-3472 • شاپا الکترونیک: 2717-3402
https://doi.org/10.22067/irlip.2022.71990.1138
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۵

پدیداری موج پنجم تروریسم در جهان

یاسر اسماعیل‌زاده[1]

چکیده

بی‌تردید، امروزه گروه‌های تروریستی ازجمله بازیگران مهم عرصۀ بین‌الملل به‌شمار می‌آیند. نگاهی راهبردی به امواج تروریسم در جهان، نشان‌دهندۀ بروز شواهدی قوی برای ظهور موج جدید تروریسم در جهان است. مقالۀ حاضر، در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که «موج پنجم تروریسم در منطقۀ غرب آسیا و شمال آفریقا چگونه خواهد بود؟» بر پایۀ فعالیت‌های گروه‌های تروریستی در منطقۀ غرب آسیا و شمال آفریقا در قرن 21، به‌نظر می‌رسد «تروریسم نیمه‌دولتی» موج جدید تروریسم در جهان باشد؛ موجی که کنترل بخش‌هایی از قلمرو یک دولت ضعیف را به‌عهده دارد و حکومت خود را در آنجا حفظ می‌کند و حملات تروریستی‌ای را علیه کشورهای دیگر انجام می‌دهد. بر پایۀ شاخص‌های امواج گوناگون تروریسم جهانی، موج پنجم تروریسم باید جهانی باشد، نیروی محرک یکسانی داشته باشد، و همچنین با موج پیشین تفاوت چشمگیری داشته باشد. بدیهی است که تروریسم نیمه‌دولتی به‌مثابه موج جدید تروریسم، با گروه‌های تروریستی مذهبی موج چهارم متفاوت است. این موج تروریسم، کنترل سرزمین را در اولویت قرار می‌دهد، در گسترۀ وسیع‌تری از فعالیت‌های دولتی و حاکمیتی (نه‌تنها خدمات اجتماعی) مشارکت دارد، بیشتر در پی کسب قدرت است، و عقاید تکفیری دارد. درنهایت، مقالۀ حاضر به این نتیجه می‌رسد که پدیدۀ تروریسم نیمه‌دولتی درصورت امتداد و گسترش از قابلیت تبدیل شدن به یک موج جهانی برخوردار است.

مقالۀ پژوهشی

واژگان کلیدی:
تروریسم، موج پنجم، تروریسم نیمه‌دولتی، تکفیر

۱ استادیار و عضو هیأت علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری esmailzadeh911@atu.ac.ir
ORCID:0000-0002-6727-4685

Towards the Emergence of the Fifth Wave of Terrorism in the World

Yaser Esmailzadeh[2]

Abstract

Undoubtedly today terrorism is an important player in the international arena. A strategic look at the waves of terrorism in the world shows strong evidence for the emergence of a new wave of terrorism in the world. the present article seeks to answer the main question of what the fifth wave of terrorism will be in the region of West Asia and North Africa. Based on what has worked as terrorism in the region of West Asia and North Africa in the ۲۱st century, "semi-state terrorism" seems to be the new wave of terrorism. A wave that controls parts of the territory of a weak state and maintains its rule there, as well as carrying out terrorist attacks against other countries. According to the global terrorism wave indices, in order to consider the fifth wave, the new terrorism phenomenon must be global, have the same driving force, and also be significantly different from the previous wave. It is obvious that semi-state terrorism, as a new wave of terrorism, is different from the fourth wave of religious terrorist groups. This aspect of terrorism prioritizes land control, participates in a wider range of government and governance activities (not just social services), seeks more power, and has takfiri ideologies. Finally, the article concludes that the phenomenon of semi-state terrorism has the potential to become a global wave if it continues to spread.

Keywords: Terrorism, the Fifth Wave, Semi-State Terrorism, Takfir.

۲ esmailzadeh911@atu.ac.ir

مقدمه

امروزه تروریسم به‌عنوان پدیده‌ای پویا و چندوجهی، تهدیدی جدی برای نظم جهانی، دولت‌ها، و امنیت شهروندان به‌شمار می‌آید (karamzadi and khansari fard, 2021, 148). تروریسم و ظهور درگیری‌های خشونت‌بار، یکی از موضوع‌های بنیادین مطالعات سیاسی و بین‌الملل است که به عرصه‌ای فراملی در دنیای مدرن امروز تبدیل شده است؛ عرصه‌ای که حجم زیادی از خشونت و توحش را با آثار ویرانگر سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و امنیتی گسترده برای جهان به‌همراه داشته است. دراین‌بین، دیوید راپوپورت[۳] در اثر معروف خود با عنوان «چهار موج تروریسم مدرن[۴]» تاریخ تروریسم جهانی مدرن (از سال 1880) را به چهار دورهٔ مختلف تقسیم کرده است که هر دوره دارای ویژگی‌های خاصی است که آن را به یک «موج» تبدیل می‌کند. راپوپورت، موج تروریستی را چنین تعریف می‌کند: «چرخهٔ فعالیت در یک دورهٔ زمانی معین، با ویژگی بین‌المللی، با فعالیت‌های مشابه در مناطق مختلف، با افراد و عناصر مشابه که گروه‌های تروریستی را شکل می‌دهد» (Rapoport, 2004, 47). به‌طور معمول، «موج‌ها»، عناصر گستردهٔ مشابهی در سراسر روند حرکت خود دارند (Da Silva, 2020, 205). راپوپورت در تحلیل این امواج، آشکارا ایدئولوژی مشترک این گروه‌ها، منابع اصلی تأمین مالی، شیوه‌های اصلی تروریست‌ها برای جلب توجه، و سرانجام تاکتیک‌های اصلی را مشخص کرده است (جدول شماره 1). موج‌های آنارشیسم (1880-1920)؛ موج ضداستعمار (1920-1960)، تروریسم چپ جدید (دهۀ 1960 تا اواخر دهۀ 1970)، و سرانجام، موج مذهبی که از اواخر دهۀ 1970 آغاز شد و او بر این نظر است که تا امروز ادامه دارد (Rapoport, 2004, 46-47).

جدول شماره (۱). امواج تروریسم و ابعاد و ویژگی‌های آن

نام	دورهٔ زمانی	تاکتیک‌ها	مصداق‌های اقدام	رسانه	روش تأمین مالی
موج آنارشیستی	۱۸۸۱-۱۹۲۰	ترور سیاسی، انفجار دینامیت	ترور الکساندر دوم روسیه	مطبوعات	سرقت از بانک
موج ضداستعماری	۱۹۲۰-۱۹۶۲	جنگ چریکی، ترور با تک‌تیرانداز، حمله به نیروهای امنیتی	معاهدهٔ ورسای، دستاوردهای ژاپن در جنگ جهانی دوم	رادیو	حمایت دولتی
موج چپ نو	۱۹۶۲-۱۹۷۹	هواپیماربایی، حمله به مراکز دولتی	جنگ ویتنام	تلویزیون	اتحادجماهیر شوروی و اتحادیه‌های کمونیستی

۳. David Rapoport

۴. The Four Waves of Modern Terrorism

موج مذهبی	۱۹۷۹-۲۰۰۰	حملات انتحاری، بمب‌گذاری	حمله‌شوروی‌به‌افغانستان و‌فعالیت‌القاعده‌و‌طالبان	پخش اعلامیه و سخنرانی‌های عمومی	فعالیت‌های مالی دولتی کشورهای عربی و حاشیهٔ خلیج فارس
موج تروریسم نیمه‌دولتی	۲۰۰۰ تاکنون	ترکیبی از انتحاری، بمب‌گذاری، حملهٔ چریکی، تیراندازی	ظهور داعش، جبهه النصره، بوکوحرام	اینترنت و شبکه‌های اجتماعی	تأمین مالی خود از طریق مالیات و استخراج منابع طبیعی، کمک‌های دولتی

به‌نظر می‌رسد که نظریهٔ چهارموجی راپوپورت، باوجود داشتن نقاط قوت بسیار، خلأهایی نیز دارد؛ زیرا، بر پدیده‌های خاصی تأکید می‌کند و پدیده‌های دیگر را نادیده می‌گیرد؛ مانند تروریسم راست‌گرایانه[۵]، تروریسم قومیت‌گرا، و تروریسم سازمان‌یافته(Honig and Yahel, 2019, 1211).

هدف مقالهٔ حاضر، بررسی کیفیت و چگونگی ظهور تروریسم نیمه‌دولتی به‌عنوان موج پنجم تروریسم است که بیشتر در منطقهٔ غرب آسیا و شمال آفریقا ظهور کرده است. براساس مبانی مفهومی و نظری ارائه‌شده، تروریسم نیمه‌دولتی عبارت است از اقدام گروه‌های شورشی‌ای که الف) بخش‌هایی از قلمرو یک دولت ضعیف را کنترل و حاکمیت خود را در آنجا حفظ می‌کنند؛ ب) همچنان حملات تروریستی‌ای به کشورهای هدف دیگر انجام می‌دهند.

تروریسم نیمه‌دولتی تنها به دولت‌های ضعیفی که قلمرو آنها تاحدی تحت کنترل است، حمله نمی‌کند (Lia, 2015, 31-32). نمونه‌هایی از چنین گروه‌های تروریستی‌ای که کنترل سرزمینی نسبتاً انحصاری را دراختیار دارند، عبارتند از: الشباب از زمان تصرف بخش‌های گسترده‌ای از جنوب سومالی در سال 2009، نیروهای تروریستی داعش در غرب آفریقا[۶]، گروه تروریستی بوکوحرام در شمال شرق نیجریه در سال 2014، تحریک طالبان پاکستان[۷] از سال 2007، جبهه النصره از سال 2015 در سوریه، القاعده در شبه‌جزیرهٔ عربستان[۸] واقع در استان حضرموت[۹]، یمن جنوبی از سال 2015 (Lia, 2015, 33).

دربارهٔ گزاره‌های مطرح‌شده، برخی نکته‌های تخصصی وجود دارد؛ نخست اینکه، درست مانند امواج پیشین، موج پنجم حتی پیش از پایان موج چهارم شروع شده است. درواقع، بین موج جدید و موج چهارم، مرزبندی شفافی وجود ندارد؛ به‌عنوان مثال، بحث ایدئولوژی مذهبی

۵ . Right-Wing Terrorism

۶ . ISWAP

۷ . TTP

۸ . AQAP

۹ . حَضرَموت، یکی از مناطق تاریخی جنوب شبه‌جزیره عربستان و از استان‌های کشور یمن است که بیشتر جمعیت آن، سنی‌مذهب شافعی هستند.

و مقولهٔ دین در موج پنجم، شباهت‌های فراوانی با موج پیشین دارد.

دوم اینکه، به‌نظر می‌رسد در تروریسم نیمه‌دولتی، شکل متفاوتی از گروه‌های تروریستی به‌طور کامل جایگزین گروه‌های تروریستی قدیمی نشده است. درعوض، این استدلال مطرح می‌شود که در موج جدید تروریسم، با تغییر ماهیت تعامل و همگرایی بین گروه‌های مختلف تروریستی، فضای جدید و مهمی در فعالیت‌های تروریستی ایجاد شده است(Honig and Yahel, 2019, 1212). در موج جدید تروریسم، گروه‌های تروریستی کوچک‌تر معمولاً به‌گونه‌ای عینی به تروریسم نیمه‌دولتی وابسته خواهند بود؛ به‌عنوان نمونه، هر دو گروه جبهه النصره و داعش، گروه‌های تروریستی مرتبطی دارند که هریک در سوریه زیر پرچم گروه‌های یادشده فعالیت داشته‌اند. در موج جدید تروریسم، گروه‌های تروریستی کوچک‌تر که معمولاً نام و نشان مطرح و معروفی ندارند، در توافق‌های درون گروهی، با گروه‌های بزرگی مانند داعش بیعت می‌کنند (Raghavan and Booth, 2016, 3) و حتی ممکن است بین دو گروه تروریستی نیمه‌دولتی با سبک‌های متفاوت نیز همکاری و تعامل وجود داشته باشد؛ به‌عنوان مثال، هر دو گروه بوکوحرام و الشباب در مدت فعالیت خود، همکاری‌ها و تعاملاتی داشته‌اند (Busari, 2016, 23). سرانجام، این گزاره نیز در مورد موج پنجم مطرح است که ممکن است گروه‌های تروریستی نیمه‌دولتی، الهام‌بخش و منبع راهنمای دردسترسی (به‌ویژه در فضای مجازی) برای عملیات گرگ‌های تنها در کشورهای دوردست، ازجمله در اروپا و آمریکا نیز به‌شمار می‌آیند؛ به‌عنوان نمونه، گروه داعش، الهام‌بخش حملات تیراندازی 2016 در سان برناردینو و اورلاندو[۱۰]، و حملات انجام‌شده با کامیون و زیرگرفتن جمعیت در برلین، اورشلیم، و نیس در سال‌های 2016 و 2017 بوده است (Honig & Yahel, 2019, 1213).

در ادامه تلاش کرده‌ایم پس از بررسی پیشینهٔ موضوعی پژوهش، پدیدهٔ «تروریسم نیمه‌دولتی[۱۱]» را تعریف و توصیف کنیم؛ سپس، دلایل اصلی ظهور موج جدید تروریسم مشخص خواهد شد و در مرحلهٔ بعد، این مسئله واکاوی می‌شود که موج چهارم (که با انگیزهٔ مذهبی انجام شده است) و پنجم تروریسم چه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند.

۱. پیشینهٔ پژوهش

مارتا کرنشاو[۱۲] (1981) در کتاب «علل تروریسم» مطالعات تروریسم را در سه بخش سازماندهی کرده است: الف) پژوهش‌هایی که علل شکل‌گیری تروریسم را بررسی کرده‌اند؛ ب) پژوهش‌هایی که به بررسی دلایل گسترش آن پرداخته‌اند؛ ج) پژوهش‌هایی که پیامدهای

---

۱۰. San Bernardino and Orlando

۱۱. TSS

۱۲. Martha Crenshaw

پژوهشنامهٔ ایرانی سیاست بین‌الملل
دورهٔ ۱۱، شمارهٔ ۲، شمارهٔ پیاپی۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

سیاسی‌ـاجتماعی تروریسم را واکاوی کرده‌اند (Crenshaw, 1981, 379).

راپوپورت (2004) در کتاب «چهار موج تروریسم مدرن»، استدلال می‌کند که تروریسم مدرن را می‌توان در قالب امواج متوالی مشاهده و درک کرد و این موضوع، زمینه‌ای برای «توسعهٔ» مطالعات تروریسم است. به گفته وی، این دوره‌ها با همسانی‌های ایدئولوژیکی و تاکتیکی در سازمان‌های مختلف مشخص می‌شود. براین‌اساس، وی تقسیم‌بندی متفاوتی را ارائه می‌کند که عبارت است از: «موج آنارشیست» (نخست) در دههٔ 1880 ظاهر شد؛ پس‌ازآن، در دههٔ 1920 «موج ضداستعمار» (دوم) شکل گرفت و سپس در دههٔ 1960 «موج چپ جدید» (سوم) جایگزین آن شد. «موج مذهبی» (چهارم) نیز از سال 1979 شکل گرفته و به‌احتمال زیاد تا سال 2025 ادامه خواهد داشت (Rapoport, 2004, 11-19).

پس از راپوپورت، چندین نویسندهٔ دیگر نیز پژوهش‌هایی را دربارهٔ نظریهٔ موجی تروریسم انجام داده و آن را تأیید کرده‌اند که ازجمله آن‌ها می‌توان به افرادی مانند رسلر و تامپسون[۱۳] (2009)، واینبرگ و یوبانک[۱۴] (2010)، و کاپلان[۱۵] (2007؛ 2008؛ 2016) اشاره کرد. عده‌ای نیز (مانند برجسن و لیزاردو[۱۶] (2004)، تامپسون[۱۷] (2006)، و سدویک[۱۸] (2007)) فراتر از تأیید آن استدلال می‌کنند که «موج قبیله‌ای جدیدی[۱۹]» درحال ظهور است.

راپوپورت (2021) در اثر دیگری با عنوان «حمله به پایتخت و موج پنجم تروریسم»، حملهٔ 6 ژانویه به کنگره را در تاریخ ایالات متحده بی‌نظیر معرفی کرده است. وی بر این نظر است که اگر این حمله، ابعاد گسترده‌تری به‌خود می‌گرفت، ممکن بود خشونت‌های گسترده‌ای را برای مدتی طولانی رقم بزنند. راپوپورت در این مقاله اشاره می‌کند که گروه‌های افراطی راست تندرو می‌توانند در آینده، مخاطرات فراوانی را برای موج پنجم تروریسم ایجاد کنند(Rapoport, 2021, 913). افزون‌بر این موارد، پژوهش‌های داخلی محدودی نیز دربارهٔ امواج نوین تروریسم انجام شده است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره کرده‌ایم.

احمدیان و بنی‌اشراف (1399)، در مقاله‌ای با عنوان «نظم سرمایه‌داری پست‌مدرن و ظهور موج پنجم تروریسم» شرایط دو گروه داعش و بوکوحرام را تحلیل و بررسی کرده‌اند. این نویسندگان، مرز مشخصی بین موج چهارم و پنجم تروریسم ارائه نکرده و موج پنجم را موج رادیکال نامیده‌اند؛ درحالی‌که مقالهٔ حاضر سعی کرده است، افزون‌بر مرزبندی شفاف، بر

۱۳. Rasler and Thompson
۱۴. Weinberg and Eubank
۱۵. Kaplan
۱۶. Bergesen and Lizardo
۱۷. Thompson
۱۸. Sedgwick
۱۹. New Tribalistic Wave

تروریسم نیمه‌دولتی تمرکز کند.

شریعتی و همکاران (1399) نیز در مقاله‌ای با عنوان «نشانگان پیدایش موج پنجم تروریسم بین‌المللی در غرب آسیا»، با هدف شناخت تروریسم بین‌المللی به‌عنوان یکی از تهدیدهای جدی و با بهره‌گیری از آموزه‌های نظریهٔ «راپوپورت» که ناظر بر وجود چهار موج بین‌المللی تروریسم است، کوشیده‌اند به این پرسش پاسخ دهند که آیا ظهور داعش در غرب آسیا می‌تواند پایان موج چهارم و چشم‌انداز تکوین موج پنجم تروریسم بین‌المللی باشد؟ تفاوت مقالهٔ حاضر با این مقاله نیز این است که مقالهٔ حاضر با گذر از گذشته، عرصهٔ تکوین موج پنجم را واکاوی کرده است.

۲. چارچوب مفهومی و نظری پژوهش

هنری کیسینجر[۲۰]، نخستین کسی بود که صحبت از پدیدهٔ عجیب تروریسم نیمه‌دولتی کرده و از آن با عنوان «دولتی درون دولت دیگر» یاد می‌کند. کیسینجر در مقاله‌ای که در سال 2006 دربارهٔ سازمان‌های مذهب‌محور نوشت، مدعی شد که در کنار گروه‌هایی مانند القاعده، برخی از سازمان‌ها مانند حزب‌الله لبنان توانسته‌اند به‌عنوان یک سازمان شبه‌دولتی که در گسترهٔ رسمی دولت لبنان قرار دارد، فعالیت کنند. یک نهاد غیردولتی در خاک یک دولت، با ارتش و امکانات نظامی گسترده، با همهٔ ویژگی‌های یک دولت و موردحمایت قدرت اصلی منطقه‌ای، پدیدهٔ جدیدی در عرصهٔ روابط بین‌الملل به‌شمار می‌آید[۲۱] (Kissinger, 2006, 11-12).

تروریست‌های نیمه‌دولتی، عبارتند از گروه‌های شورشی‌ای که: الف) بخش‌هایی از قلمرو یک دولت ضعیف را کنترل و حاکمیت خود را در آنجا حفظ می‌کنند؛ ب) همچنان حملات تروریستی‌ای را به کشورهای هدف دیگر انجام می‌دهند. تروریسم نیمه‌دولتی، تنها به دولت‌های ضعیفی که قلمروشان تاحدی تحت‌کنترل است، حمله نمی‌کنند (Lia, 2015, 31-32).

درمجموع، تروریسم نیمه‌دولتی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد که در ابتدا بخش‌هایی از قلمرو یک دولت ضعیف را کنترل می‌کنند و حاکمیت خود را در آنجا حفظ می‌کنند و در وهلهٔ بعد، حملاتی را علیه کشورهای دیگر انجام می‌دهند؛ بنابراین، تروریست‌های نیمه‌دولتی با بیشتر گروه‌های تروریستی در چهار موج پیشین تفاوت دارند. این گروه‌ها برخی از رفتارهای شبه‌دولتی را درقبال جامعه و مردم انجام می‌دهند که در امواج پیشین نظیر آن مشاهده نشده است؛ به‌عنوان مثال، برخی از گروه‌ها تلاش کرده‌اند در حوزهٔ بهداشت و درمان (خدمات

---

۲۰. Henry Kissinger

۲۱. نگارنده بر این نکته تأکید می‌کند که گفتمان غرب با گفتمان مقاومت (با محوریت ایران) دربارهٔ تروریسم، تعارضات آشکاری دارد و نویسندگانی مانند کسینجر، برپایهٔ مبانی مفهومی غربی به محور مقاومت و ازجمله حزب‌الله لبنان می‌نگرد.

اجتماعی) در کنار فعالیت‌های دولت، کارهایی را در جامعه انجام دهند، یا برخی دیگر به‌سوی وضع قوانین و مقررات در جامعه پیش رفته‌اند. به بیان روشن‌تر، برخی از وظایف ویژهٔ دولت و حاکمیت را پذیرفته و به جذب نیرو از شهرهای مختلف برای استحکام ساختار سازمانی خود روی آورده‌اند. حتی انجام خدماتی مانند راه‌سازی و تعمیر و نگهداری تجهیزات برق نیز از برخی از گروه‌های تروریستی دیده شده است (Honig and Yahel, 2019, 1213–1214). ازآنجاکه کرونا از اواخر فوریهٔ 2020 در سراسر افغانستان گسترش یافت، دولت مرکزی برای اثبات ظرفیت حکمرانی خود، تلاش‌های بسیاری را انجام داد؛ اما کابل نتوانست اقدامات پیشگیرانهٔ مناسب و به‌موقعی انجام داده و قواعدی را برای رعایت مقررات اعمال کند؛ به‌عنوان مثال، در شهر هرات، مشاغل تعطیل بود، اما مردم در خیابان‌ها تجمعات زیادی داشتند؛ به گونه‌ای که یکی از مقامات محلی می گوید: «ما اقتصاد را مختل کردیم، اما ویروس را مختل نکردیم» (Hayeri, 2020, 9). در این شرایط، طالبان سعی کرد از خلأهای موجود حکمرانی استفاده کند و با راه‌اندازی کارگاه‌های اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی به مردم در مورد نحوهٔ استفاده از دستکش و ماسک، روش شستن مناسب دست‌ها با صابون و آب تمیز، و نحوهٔ رعایت فاصلهٔ اجتماعی، آموزش دهد. درواقع، براساس ویدئوی رسمی طالبان، مراکز بهداشتی در قندوز به‌منظور برگزاری جلسه‌های آگاهی‌رسانی عمومی دربارهٔ کرونا افتتاح شد (Zelin, 2020, 2–3)؛ تاجایی که قاری خالد هجران، سرپرست ادارهٔ بهداشت طالبان اظهار داشت: «ما از کمیسیون بهداشت خود دستور داریم تا پویش‌های عمومی را برای افزایش آگاهی مردم برگزار کنیم و در مناطق تحت کنترل خود این کار را انجام می‌دهیم». طالبان، پویش‌های آگاهی‌بخشی عمومی را برای ارتقای سلامت عمومی در تمام مناطق تحت کنترل، راه‌اندازی کرد (Kumar, 2020, 3). البته گفتنی است که روی کار آمدن طالبان در افغانستان در سال 2021 و تشکیل حکومت و دولت پس از خروج نیروهای آمریکا و متحدانش از این کشور، تحلیل مسائل طالبان را پیچیده می کند. آیندهٔ حاکمیت افغانستان و تقویت حکمرانی طالبان در این کشور بر گروه‌های رادیکال منطقه و ادامهٔ موج پنجم تروریسم نیز تأثیرگذار خواهد بود. سرانجام اینکه، نوع فعالیت سیاسی «تروریسم نیمه‌دولتی» قابل‌مشاهده است و می‌توان سبک این فعالیت سیاسی را دنبال کرد. حتی برخی از گروه‌های موج پنجم تروریسم، فرایندهایی را برای دریافت مالیات مشخص می کنند.

برخی از ملاحظاتی که تروریسم نیمه‌دولتی در سیاست‌هایش درنظر می گیرد، به‌این‌سبب است که بتواند در جهان برای خود مشروعیت کسب کند و به‌سوی تثبیت حکمرانی نیز پیش رود. اما اقدامات خشونت‌بار تروریستی، سبب بی‌ثباتی روابط آنان با کشورهای دیگر می‌شود و شانس آن‌ها را برای کسب مشروعیت بین‌المللی کاهش می‌دهد. در اصل، تروریسم نیمه‌دولتی در قلمرو سرزمینی مشخصی قوام گرفته و فعالیت‌های خود را از آنجا به کشور یا کشورهای

دیگر سامان می‌دهد. به‌منظور تشخیص درست تروریسم نیمه‌دولتی از گروه‌های شورشی و خشونت‌طلب دیگری که تروریست به‌شمار می‌آیند، می‌توان سه ویژگی زیر را برای آن‌ها برشمرد:

- نخست اینکه باید کنترل نظامی قابل‌توجهی بر یک منطقه به‌عنوان قلمرو خود داشته باشد؛ بنابراین، تنها کنترل مناطق ضعف و غیرحیاتی نمی‌تواند یک گروه را به تروریست نیمه‌دولتی تبدیل کند.
- دوم اینکه باید فاقد مشروعیت بین‌المللی باشد؛ زیرا به‌دلیل عملیات تروریستی و استقرار تروریست‌ها در قلمرو دولت ضعیف، جامعهٔ جهانی و افکار عمومی منطقه‌ای، واکنش منفی‌ای به تروریسم نشان می‌دهند (Honig and Yahel, 2019, 1214).

نکتهٔ بسیار مهم این است که تروریسم نیمه‌دولتی با تروریسم شبه‌دولتی[۲۲] متفاوت است و باید مرزهای متفاوتی را برای آن‌ها ترسیم شود. پیتر جکسون[23] دراین‌زمینه، شبه‌دولت‌ها را نوعی دولت به‌شمار آورده است؛ دولتی که دارای مشروعیت بین‌المللی، اما فاقد توانایی کنترل قلمرو خویش است (Jackson, 1993, 27). وضعیت «نیمه‌دولتی» دقیقاً برعکس وضعیت شبه‌دولتی است و مشروعیت آن به‌طور رسمی در سطح بین‌المللی به‌رسمیت شناخته نشده است، اما خطر سقوط یا نابودی بدون دخالت خارجی وجود ندارد.

- سوم اینکه، گروه تروریستی نیمه‌دولتی باید افزون‌بر رویکرد تجزیه‌طلبانه[۲۴]، ایدئولوژی تجدیدنظرطلبانه[۲۵] نیز داشته باشد؛ به‌این‌معنا که هدف آن نه‌تنها مبارزه با دولت ضعیف، بلکه درواقع، مقابله با کشور یا کشورهای دیگری باشد که با آن‌ها مخالف است.

برپایهٔ گزاره‌های یادشده، (به‌عنوان نمونه) فدراسیون کرد شمال سوریه[۲۶] (روژاوا) را نمی‌توان یک گروه تروریستی نیمه‌دولتی کامل به‌شمار آورد؛ هرچند از سال 2013 به‌عنوان یک بازیگر خودمختار در مرزهای سوریه عمل کرده و پیوندهایی با گروه تروریستی پ.ک.ک[۲۷] داشته است (Balanche, 2016, 1). این گروه‌ها به دو دلیل گروه تروریستی نیمه‌دولتی به‌شمار نمی‌آیند؛ نخست اینکه، از اعتبار بین‌المللی نسبتاً بالایی برخوردارند و حتی دارای دفاتر

---

۲۲ . quasi-state

۲۳ . Peter Jackson

۲۴ . Secessionist

۲۵ . Revisionist

۲۶ . در ۱۷ مارس ۲۰۱۶، مقامات کرد سوریه به‌همراه نمایندگانی از نیروهای عرب، آشوری و ترکمن شمال سوریه که به‌همراه یکدیگر علیه داعش مبارزه می‌کردند، در کنفرانسی، تأسیس نظام فدرال را در شمال سوریه و در مناطق تحت کنترل نیروهای سوریهٔ دموکراتیک با عنوان «فدراسیون شمال سوریه» اعلام کردند. کنفرانس رمیلان با انتشار یک متن، روند ایجاد نظام دموکراتیک در شمال سوریه را تشریح کرده و فدراسیون شمال سوریه را متشکل از سه کانتون جزیره، کوبانی و عفرین اعلام کرد.

۲۷ . Partîya Karkerên Kurdistan (PKK)

نمایندگی در چندین پایتخت اصلی (مسکو ، برلین، و پاریس) هستند. دوم اینکه این‌گونه گروه‌ها، ایدئولوژی تجدیدنظرطلبانه‌ای ندارند و در پی براندازی کشور دیگری نیستند. هدف آن‌ها نوعی جدایی‌طلبی ناسیونالیستی است و اینکه حاکمیت موردنظر خود را در قلمروشان ایجاد کرده و آن را با مناطق کردنشین دیگر سوریه (عمدتاً مناطق کردنشین عفرین، کوبانی، و جزیره) متحد کنند (Drwish, 2016, 1). در فعالیت‌های این گروه مشاهده می‌شود که حملات آن‌ها به ترکیه تنها اهداف محدودی را دنبال می‌کند و عناصر تروریست، خواهان متحد کردن بخش‌های کرد در دو سوی مرز ترکیه و سوریه هستند و برای انحلال دولت ترکیه، هدف‌گذاری جدی‌ای انجام نشده است (Honig and Yahel, 2019, 1214).

در راستای علت‌یابی پدیدهٔ تروریسم نیز می‌توان از نظریهٔ «دولت‌های شکننده[۲۸]» استفاده کرد. در طول یک دههٔ اخیر، مفهوم دولت‌های شکننده به یکی از مفاهیم مهم سیاست بین‌الملل تبدیل شده است. باوجود فراوان بودن و پراکندگی مفاهیم پرشماری چون دولت ناکام، دولت فروپاشیده، دولت ورشکسته، و دولت شکننده، آنچه در این دوره برجسته به‌نظر می‌رسد، هم‌معنی بودن دولت‌های شکننده با تروریسم در ادبیات بین‌المللی است. پس از جنگ سرد و حمله‌های تروریستی یازدهم سپتامبر 2001، اصطلاح «دولت‌های شکننده»، اهمیت فزاینده‌ای در مباحث امنیتی پیدا کرد و توجه جامعهٔ بین‌الملل به چگونگی رویارویی با چنین دولت‌هایی معطوف شد. این نگرانی از چندین عامل ناشی می‌شد: تأکید بر ساختن صلح و امنیت، گسترش این برداشت که توسعه و امنیت ارتباط متقابلی دارند، و این اصل که ثبات دولت تأثیر زیادی بر توسعه دارد. مفهوم دولت شکننده به دولت‌های ضعیفی اشاره دارد که در مقابل تهدیدهای داخلی و خارجی آسیب‌پذیرند و حکومت‌های آن‌ها قادر به مدیریت امور داخلی و سیاست خارجی نیستند (Koolaee and Akbari, 2017, 159).

۳. چارچوبی برای تحلیل موج پنجم تروریسم

در این بخش، پس از بررسی و تعریف گروه‌های تروریستی نیمه‌دولتی که نمود خارجی و عینی دارند، دلایل ظهور این گروه‌ها واکاوی خواهد شد. درواقع، پیدایش گروه‌های تروریستی نیمه‌دولتی را می‌توان در چند زمینهٔ راهبردی ویژه (ارائه‌شده به‌ترتیب زمانی) جست‌وجو کرد:

۱. گروه‌های تروریستی نیمه‌دولتی درآفریقا که پیدایش آن‌ها نتیجهٔ عواملی مانند ضعف دولت مرکزی و بروز رادیکالیسم مذهبی در بین گروه‌های آفریقایی بود. دراین‌بین، مهم‌ترین گروه تروریستی نیمه‌دولتی، بوکوحرام[۲۹] است. این گروه حملات خود را در کشورهای همسایه ازجمله نیجر، چاد، و کامرون انجام می‌دهد. بوکوحرام با نام رسمی «جماعة اهل السنة للدعوة

---

۲۸. Fragile States

۲۹. Boko Haram

و الجهاد» و به‌عنوان یک گروه شورشی و جهادی در شمال نیجریه، خواستار تعطیلی همهٔ مدارس نوین و تحمیل شریعت اسلامی بر تمام ۳۶ ایالت نیجریه است. این گروه که در نیجر، چاد، و شمال کامرون نیز فعال است، در سال 2009 بنا نهاده شده و پیشتر با شبکهٔ القاعده ارتباط داشت. اما در سال 2015 با داعش و سرکردهٔ معدوم آن، ابوبکر بغدادی، بیعت کرد و نام خود را به « دولت اسلامیِ ولایت مغرب آفریقا »[۳۰] تغییر داد. در ۷ فوریهٔ ۲۰۱۵، پنج کشور درگیر جنگ با گروه تروریستی بوکوحرام (نیجریه، چاد، کامرون، نیجر، و بنین) در بیانیهٔ پایانی نشست مشترک خود متعهد شدند که برای مبارزه با این گروه، هشت‌هزاروهفتصد نیروی خود را بسیج کنند (2-Massalaki, 2015, 1).

گروه تروریستی دیگر، الشباب[۳۱] است. الشباب، موسوم به جنبش جوانان مجاهدین، یک گروه سومالیایی است که در سال 2007 بنا نهاده شده و از سال ۲۰۱۲، به بخشی از سازمان تروریستی القاعده تبدیل شده است. این گروه در گذشته، بخش‌هایی از مرکز و جنوب سومالی را در کنترل خود داشت، اما در سال ۲۰۱۵، شهرهای بزرگ را از دست داده و تنها بر چند منطقهٔ روستایی تسلط دارد. این گروه در فهرست سازمان‌های تروریستی ایالات متحده، بریتانیا، کانادا، استرالیا، و امارات قرار دارد. الشباب که هدف خود را «جهاد علیه دشمنان اسلام» معرفی می‌کند، بارها به نیروهای دولتی و اتحادیه آفریقا در موگادیشو و اتیوپی حمله کرده است. این گروه در جریان جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل، ده‌ها تماشاگر این بازی‌ها را قتل‌عام کرد؛ در سال ۲۰۱۳ با حمله به یک مرکز خرید در نایروبی، پایتخت کنیا، 67 نفر را ترور کرد و در دوم آوریل ۲۰۱۵ با حمله به خوابگاه دانشجویان دانشگاه گاریسا در کنیا، ۱۴۸ دانشجوی مسیحی را کشت (Honig and Yahel, 2019, 1215).

۲. گروه‌های تروریستی برآمده از شکاف مذهبی در جهان عرب، در قالب تقسیم‌بندی این بخش قرار می‌گیرند. دگرگونی‌های بیداری اسلامی یا آنچه غربی‌ها به بهار عربی تعبیر می‌کنند نیز این شکاف را تشدید کرد و نوع دیگری از تروریسم نیمه‌دولتی به‌وجود آمد. در نتیجهٔ دگرگونی‌های جهان عرب از سال 2011، بسیاری از کشورهایی که در آن‌ها کودتا انجام شد، دچار ضعف حکمرانی شدند و شکل‌گیری دولت‌های ضعیف در آن‌ها، سبب افزایش شکاف شیعه و سنی شد. در نتیجهٔ قبیله‌گرایی و شکاف‌های مذهبی موجود، گروه‌های بسیاری در سوریه، عراق، و یمن سربرآوردند (Honig & Yahel, 2019, 1215)؛ به‌عنوان نمونه، القاعده در یمن، گروه سلفی-جهادی موسوم به دولت اسلامی عراق[۳۲]، به‌عنوان ریشهٔ ابتدایی داعش، در عراق، و همچنین، داعش در سوریه از مصادیق این گروه‌ها هستند.

۳۰. (Islamic State's West Africa Province (ISWAP

۳۱. Al-Shabaab

۳۲. ISL

۳. گروه تروریستی القاعده در عراق که در سال 2006 بنا نهاده شد نیز در قالب تروریسم نیمه‌دولتی قرار می‌گیرد؛ البته این گروه تازمانی که خلافت خود را اعلام نکرد و در سال 2014 به داعش تبدیل نشد، با حکومت مرکزی، درگیری‌های چشمگیری نداشت. به‌همین‌ترتیب، جبههٔ النصره[۳۳] در سوریه، در سال 2015 کنترل بخشی از استان ادلب را در دست گرفت و دادگاه‌های شرعی خود را در آنجا ایجاد کرد(Samer, 2016, 1) . جبههٔ النصره معروف به جبههٔ فتح شام، پس از ژوئیهٔ ۲۰۱۶، یک سازمان جهادی-سلفی بود که در جنگ داخلی سوریه با نیروهای دولتی این کشور مبارزه می‌کرد. این گروه، شاخهٔ القاعده در سوریه بوده و هدف آن، بنیان‌گذاری یک کشور اسلامی در سوریه بود. گروه یادشده در مارس ۲۰۱۵ به‌همراه گروه‌های دیگر جهادی، «جیش‌الفتح» را تشکیل داد. جبههٔ النصره در ژوئیه ۲۰۱۶، به‌طور رسمی نام «جبههٔ فتح شام» را برای خود برگزید و اعلام کرد که از القاعده جدا شده است. به‌گفتهٔ ابومحمد جولانی، رهبر این گروه، این جدایی در راستای آنچه وی آن را «انقلاب سوریه» می‌نامد، انجام شده است. اگرچه رهبر این گروه اعلام کرد که به القاعده وابسته نیست، ستاد فرماندهی مرکزی ایالات متحده آمریکا آن را شاخه‌ای از القاعده معرفی کرد (Ghanmi & Punzet, 2016, 11-15). همچنین داعش، از ژوئیه ۲۰۱۴ ادعای خلافت جهانی را مطرح کرد و خود را دولت اسلامی نامید. این گروه زمانی بخش‌های بزرگی از شمال عراق، شرق سوریه و بخش‌های کوچکی از لیبی، نیجریه، و افغانستان را به‌تصرف خود درآورد و حتی علیه کشورهای دورافتاده، اعم از غربی (حملات نوامبر 2015 پاریس) یا اسلامی (بمب‌گذاری در تونس در سال 2015) درگیر فعالیت‌های تروریستی شد. ریشهٔ داعش به «جماعت توحید و جهاد» می‌رسد که در سال ۱۹۹۹ به‌رهبری ابومصعب الزرقاوی تأسیس شد و در سال ۲۰۰۴ به شبکهٔ القاعده پیوست و پس‌ازآن به «القاعده عراق» معروف شد (El-Ghobashy, 2015, 41-42). دگرگونی‌های اخیر افغانستان و سقوط دولت این کشور و تشکیل دولت توسط طالبان نیز می‌تواند سناریوهای پیش روی گروه‌های رادیکال دیگر را دچار تحول کند.

4. نخستین گروه تروریستی نیمه‌دولتی که در یمن ظهور کرد، شاخهٔ شبه‌جزیرهٔ عربی القاعده[۳۴] بود که برخی از مناطق جنوبی یمن، ازجمله استان حضرموت را تصرف و شورای داخلی حضرامی[۳۵] را تأسیس کرد (Zimmerman, 2015, 21). سازمان القاعده در شبه‌جزیرهٔ عربستان یا «انصار الشریعه» در یمن، سازمان ستیزه‌جویی است که در یمن و عربستان سعودی فعالیت می‌کند. نام‌گذاری آن براساس القاعده بوده و مدعی پیروی از القاعده و رهبر معدوم آن، اسامه بن‌لادن است (Alwly, 2016, 2).

---

۳۳. JN

۳۴. AQAP

۳۵. HDC

۵. بزرگ‌ترین و مهیب‌ترین سازمان تروریستی پاکستان، تحریک (یا جنبش) طالبان پاکستان بود که در اواخر سال 2007 تشکیل شد. این سازمان در سال 2006 در واکنش به حملهٔ هواپیمای بدون‌سرنشین به یک مدرسه (حوزهٔ علمیه) در منطقهٔ باجوار ــ که اکنون با ایالت خیبر پختونخواه ادغام شده است ــ و همچنین، عملیات نظامی در سوات[۳۶] و مسجد لعل[۳۷] در اسلام‌آباد در ژوئیهٔ 2007 تأسیس شد. طالبان پاکستان با ادغام گروه‌هایی متشکل از قبایل ساکن منطقهٔ فاتا[۳۸] و چندین منطقهٔ مسکونی دیگر از ایالت خیبر پختونخوا شکل گرفت (Feyyaz, 2020, 29). با بررسی فرازوفرودهای فعالیت تروریستی داعش در منطقه و تطابق آن با گروه‌هایی مانند طالبان و طالبان پاکستان، می‌توان دریافت که این گروه‌ها، تمایل فراوانی به پیروی از الگوهای مشابه داعش در ترور و فعالیت‌های تروریستی دارند (Mehran et.al, 2020, 9).

۴. ریشه‌های بروز و ظهور پدیدهٔ تروریسم نیمه‌دولتی در جغرافیای کشورها

بررسی دلایل ظهور پدیدهٔ تروریسم نیمه‌دولتی به رسیدن به پاسخ این پرسش کمک می کند که «آیا شاهد آغاز موج پنجم و کاملاً متفاوت تروریسم هستیم؟» باید پذیرفت که ریشهٔ تروریسم مذهب‌محور، تنها دین و مذهب نیست؛ به‌عنوان نمونه، انجام حملات انتحاری در چچن بیشتر به رادیکالیزاسیون جامعهٔ قومی در پی سرکوب روسیه و شکست دولت در به‌اصطلاح جمهوری ایچکریا[۳۹] مربوط می‌شد. درمجموع، می‌توان چهار عامل ژئوپلیتیک و چند عامل مذهبی را بر سربرآوردن موج جدید تروریسم مؤثر دانست:

- نخست، فراگیر شدن دولت‌های ضعیف و شکننده در منطقهٔ غرب آسیا و آفریقا در دو دههٔ گذشته، به‌ویژه پس از جنگ 2003 عراق، و حتی پس از دگرگونی‌های جهان عرب از سال 2011 به‌این‌سو، یکی از دلایل اصلی ظهور و رشد تروریسم نیمه‌دولتی بود. اگر حاکمیت‌ها از تسلط کافی برای مدیریت بحران‌های درون‌سرزمینی برخوردار بودند، گروه‌های نیمه‌دولتی نمی‌توانستند بخش‌هایی از این کشورها را تصرف کنند. حتی توانمندی‌های نظامی و امنیتی رژیم‌های ضعیف کشورهای یادشده نیز دراین‌زمینه اهمیت فراوانی دارد (Eldar, 2012, 183).
- دوم، جنگ سرد جدید بین قدرت‌های منطقه‌ای غرب آسیا سبب تأسیس یا تقویت گروه‌های تروریستی نیمه‌دولتی شد (Cockburn, 2016, 1).

۳۶. Swat
۳۷. Lal Masjid
۳۸. FATA
۳۹. Ichkeria

▪ سوم، تأسیس حاکمیت اقلیم کردستان[40]، به‌عنوان یک اتحادیهٔ خودمختار در عراق در ژوئیهٔ 1992 به دو دلیل برای ظهور تروریسم نیمه‌دولتی بسیار مهم بوده است: الف) برچیده شدن مرزهای استعماری که از 75 سال پیش به منطقه تحمیل شده بود و درنتیجه، قبح‌شکنی در مورد برهم زدن مرزهای کشورهای شناخته‌شدهٔ عرب و سنگ بنایی برای تجزیه‌طلبی و تقویت گروه‌های تروریستی تجزیه‌طلب (Anderson, 2016, 11)؛ ب) رقبای غیردولتی کردها دریافتند که برای مقابلهٔ نظامی با کردها، ناچارند به‌جای باقی ماندن در یک گروه تروریستی ضعیف، توانایی‌های شبه‌دولتی خود را افزایش دهند؛ به‌عنوان مثال، برپایهٔ برخی از شواهد، دولت اقلیم کردستان به سازمان اطلاعاتی سیا در پیدا کردن مخفیگاه بن‌لادن کمک کرده است.(Ambinder, 2013, 1-2). در ساختار سیاسی نوین عراق، اقلیم کردستان با مرکزیت حزب دمکرات، در عرصه‌های سیاست داخلی و خارجی، امنیتی، اقتصادی، سرزمینی، و... یک‌سویه عمل کرده و به‌جای پیروی از الگوی تعاملی دوسویه با حکومت مرکزی، سبکی تقابلی را درپیش گرفته و درنتیجه، شکاف‌هایی در این زمینه به‌وجود آمد. دراین‌بین، گروه‌های تجزیه‌طلب کرد و تکفیری سربرآوردند. پس از حملهٔ داعش به عراق، دشمن مشترک از یک‌سو، موجب ایجاد همکاری نظامی بین اقلیم کردستان و حکومت مرکزی عراق شد و ازسوی‌دیگر، شکاف امنیتی به‌وجودآمده در مناطق مورداختلاف، موجب ایجاد خودمختاری بیشتر و فروش نفت توسط اقلیم کردستان شد.

▪ چهارم، ظهور تروریسم نیمه‌دولتی، در شرایط راهبردی و نه مذهبی پاکستان ریشه دارد. هنگامی که پاکستان تلاش خود را برای شناسایی و یافتن عناصر خارجی مرتبط با القاعده ـبه‌عنوان بخشی از جنگ جهانی علیه تروریسم پس از 11 سپتامبر[41] (2002-2004)ـ آغاز کرد، بسیاری از گروه‌های کوچک شبه‌نظامی که به‌گونه‌ای مستقل در منطقه فعالیت می‌کردند، شروع به شبکه‌سازی کردند. بااین‌حال، گروه‌های تروریستی تصمیم گرفتند سازمان خود را تأسیس کنند و زیرمجموعهٔ طالبان به‌رهبری ملاعمر نباشند (Abbas, 2008, 1-4)؛ اگرچه تحریک طالبان پاکستان اعلام کرد که در مخالفت با اتحاد پاکستان‌ـآمریکا شکل گرفته است(Honig & Yahel, 2019, 1218).

۵. ناهمسانی‌های موج چهارم و پنجم تروریسم

در این بخش، تفاوت‌های موجود در ماهیت و رفتار تروریسم نیمه‌دولتی و گروه‌های معمولی

---

۴۰. KRG

۴۱. پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، توجه جهانی بیشتر از همیشه به سازمان‌های تروریستی جلب شد و درواقع، از این زمان بود که مسئلهٔ تروریسم و چگونگی مبارزه با آن، به یکی از پارادایم‌های تجزیه‌وتحلیل روابط بین‌الملل و سیاست جهانی تبدیل شد. (mobini keshe & omidi, ۲۰۲۰, ۲۳۹)

متعلق به موج چهارم (مذهبی) را بررسی خواهیم کرد. دراین‌راستا، ابتدا تفاوت‌های ظاهری تروریسم نیمه‌دولتی جدید با گروه‌های تروریستی موج چهارم، و سپس، اهمیت این تفاوت‌های قابل‌مشاهده و نقش آن‌ها در تغییر الگوهای رفتاری و طرز فکر گروه‌ها واکاوی خواهد شد.

۱-۵. هویت مذهبی مشترک یا تلاش برای سوءاستفاده از گفتمان مذهب

یک حقیقت آشکار دربارهٔ تروریسم نیمه‌دولتی که به‌ظاهر نظریهٔ موج پنجم را رد می‌کند، این است که «گروه‌های تروریستی نیمه‌دولتی، خود را به‌اصطلاح، اسلامی معرفی می‌کنند». آنان شریعت را در قلمرو خود اجرا می‌کنند و هدف راهبردی‌شان، در چارچوب گفتمان‌های مذهبی است (Toft, 2007, 97)؛ بنابراین، ممکن است استدلال شود که این یک موج جدید نیست، بلکه ادامه یا توسعهٔ موج پیشین است؛ زیرا، این گروه‌ها، همگی دارای انگیزهٔ مذهبی هستند. شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد، داعش در اقدامات خشونت‌بار خود از گفتمان‌های به‌ظاهر دینی-مذهبی و حتی در پرچم خود از نمادها و شعارهای اسلامی استفاده کرده است. داعش، حکومت خود را خلافت[۴۲] می‌نامید و حتی نخستین رهبر خود را که ابوبکر بغدادی نام داشت، خلیفه نامید (مانند آنچه در زمان خلافت عباسیان رواج داشت). افزون‌براین، داعش اعلام کرد که سوریه را در زمرهٔ سرزمین‌های خلافت و در راستای مبارزه با مرزهای تصنعی و ایجاد خلافت جهانی فتح کرده است. درواقع، مغز متفکر داعش پس از تصرف شمال سوریه توسط داعش، حاجی‌بکر[۴۳]، افسر اطلاعاتی پیشین رژیم سکولار (و حتی ضدمذهب) صدام حسین بود که مانند بسیاری از همتایان بعثی‌اش توسط ارتش، اخراج شده بود (Mae & Smith, 2015, 13). به‌نوشتهٔ «اشپیگل[۴۴]»، حاجی‌بکر به‌دنبال افزایش قدرت این گروه بود و تنها با هدف دادن «چهرهٔ مذهبی[۴۵]» به داعش، ابوبکر البغدادی را در رأس این گروه قرار داد (Reuter, 2015, 1).

به‌نظر می‌رسد، بوکوحرام یک مورد مشخص از یک گروه تروریستی با انگیزهٔ مذهبی است. برخی از پژوهشگران استدلال کرده‌اند که گرایش بوکوحرام به خشونت را نمی‌توان بدون تشخیص وابستگی این گروه به اسلام و فرهنگ سیاسی توضیح داد؛ زیرا، گزاره‌های متفاوتی در مورد نحوهٔ مبارزه با حاکم ستمگر و احساس تکلیف در برابر جهان کفر ارائه می‌دهد (S ndig, 2015, 148).

درمجموع، شواهد موجود نشان می‌دهد که این گروه‌ها، فهم کاملاً متفاوتی از اسلام و گفتمان مذهبی دارند و تصویر جدیدی از گرایش‌های مذهبی و نوع رویارویی با جهان و حکمرانی ارائه

---

۴۲. Caliphate

۴۳. Haji Bakr

۴۴. Spiegel

۴۵. Religious Face

داده‌اند. گروه‌های داعش و بوکوحرام، فتواهای متفاوتی دربارهٔ امور داخلی و خارجی داده‌اند و این موضوع، نگرش متفاوت آنان را با امواج مذهبی دیگر نمایان می کند. مفتی اعظم عربستان سعودی، شیخ عبدالعزیز آل شیخ، دربارهٔ گروه تروریستی بوکوحرام می گوید که این گروه برای لکه‌دار کردن تصویر اسلام ایجاد شده است (Power, 2014, 2). همچنین، شمسی علی[۴۶] که یک چهره شاخص اسلامی در آمریکا است، رهبران بوکوحرام را کافر و اقدامات این گروه را کفرآمیز خوانده است (Obeidallah, 2014, 5). دلیل این گونه روشنگری‌ها در مخالفت با فعالیت‌های این گروه‌ها، جنایات تروریسم نیمه‌دولتی بوده و این‌قبیل اقدامات (مانند ازدواج اجباری یا جهاد نکاح)، خلاف سنت‌های اسلامی به‌شمار می آید (Power, 2014, 2).

۲-۵. میزان پایبندی اعضای گروه‌های تروریستی به مذهب، شریعت، و دین‌داری

به‌لحاظ منطقی، هرچه اعضای گروه، اعتقاد مستحکم‌تری به آموزه‌های مذهبی خود داشته باشند، فضای کمتری برای مانور رهبران تروریسم باقی می‌ماند؛ مگر اینکه رهبر یک گروه، چهرهٔ شاخص و کاریزماتیکی داشته باشد تا بتواند تصمیم‌های متفاوت خود را توجیه کرده و برای اعضای دیگر، قانع کننده باشد. درواقع، بسیاری از کسانی که در موج چهارم به اخوان‌المسلمین و گروه‌های دیگر پیوستند، به‌لحاظ مذهبی، انسان‌های معتقدی بودند. درمقابل، تنها ایدئولوژی مذهبی، انگیزهٔ اصلی و ریشهٔ پیوستن به گروه‌های تروریستی نیمه‌دولتی نبوده است. کنترل داعش بر میدان‌های نفتی در سوریه، این امکان را برای آن‌ها فراهم کرد تا به عناصر تحت امر خود، حقوق قابل‌توجهی بدهند و انگیزه‌های مالی فراوانی را برای پیوستن اعضا به این گروه ایجاد کرد (Anderson, 2016, 2).

۳-۵. کیفیت محافظت از قلمرو و میزان تأمین مالی تروریسم

تروریسم نیمه‌دولتی بر پایهٔ اهداف و چشم‌اندازهای خود، اقدام به کنترل و ادارهٔ مناطق خاصی از جغرافیای یک یا چند کشور می کند. دراین‌بین، این پرسش مطرح می‌شود که «آیا نیروهای تروریسم نیمه‌دولتی، همانند ارتش‌ها و نهادهای نظامی‌ـانتظامی دولتی حاضرند به هر قیمتی از وطن خود دفاع کنند؟» کنکاشی در فعالیت‌های اخیر تروریست‌ها نشان می‌دهد که آن‌ها مایل بوده‌اند تا از پایتخت‌های واقعی خود دفاع کنند؛ به‌عنوان نمونه می‌توان به پاراچنار[۴۷] برای

۴۶. Shamsi Ali

۴۷. Parachinar

جنبش طالبان در پاکستان[۴۸]، مایدوگوری[۴۹] برای بوکوحرام، رقه[۵۰] برای داعش، ادلب[۵۱] برای جبهه النصره و سرانجام، شهر المکلا[۵۲] (مرکز استان حضرموت) برای القاعده در شبه‌جزیرهٔ عربستان[۵۳] اشاره کرد که این گروه‌ها در پی حفاظت از نقاط جغرافیایی یادشده و مبارزه برای حفظ آن بوده‌اند. بااین‌وجود، گروه‌های تروریستی نیمه‌دولتی، تمام مناطق تحت کنترل خود را یک سرزمین مقدس نمی‌دانند که باید به هر قیمتی از آن محافظت شود و از هرگونه نفوذ خارجی محافظت شود. درعوض، مشاهده شده است که تروریسم نیمه‌دولتی پس از شناسایی محدودیت‌های قدرت خود، عقب‌نشینی راهبردی انجام می‌دهند. دو نمونهٔ مشهور از چنین عقب‌نشینی‌های راهبردی‌ای عبارتند از: عقب‌نشینی سازمان القاعده در شبه‌جزیره عربستان از بندر المقله[۵۴] (بندر اصلی دریایی و پایتخت منطقه ساحلی حضرموت در یمن) در آوریل 2016 و همچنین، عقب‌نشینی داعش از پالمیرا[۵۵] (شهری باستانی در استان حُمص سوریه و در ۲۱۰ کیلومتری دمشق) در مارس 2016.

افزون‌براین، به‌راحتی می‌توان دریافت که گروه‌های تروریستی نیمه‌دولتی نسبت به گروه‌های تروریستی موج چهارم، بسیار بیشتر در معرض یک عملیات گستردهٔ نظامی هستند؛ زیرا، این گروه‌ها به نگهداری از برخی دارایی‌های فیزیکی و عینی (به‌ویژه کنترل بر قلمرو و همچنین، ساختمان‌های دولتی، سلاح، دارایی‌های خزانه، و...) مشغولند و به‌عنوان یک گروه نیمه‌دولتی به این اموال و املاک وابسته‌اند و ادامهٔ بقایشان به حفظ دارایی‌های فیزیکی وابسته خواهد بود. همچنین، با توجه به کنترل تروریسم نیمه‌دولتی بر یک قلمرو سرزمینی مشخص، آنان نسبت به گروه‌های موج چهارم، ظرفیت تأمین مالی بیشتری دارند. اصولاً منبع اصلی درآمد، مالیات است و تقریباً همهٔ گروه‌های تروریستی نیمه‌دولتی، پس از تصرف مناطق، شروع به دریافت مالیات از مردم می‌کنند. داعش و بوکوحرام از این محل درآمد، دریافتی‌های زیادی داشته‌اند (Miller, 2015, 1).

یکی از راه‌های دیگر تأمین مالی، این است که از منابع طبیعی یا مصنوعی سرزمین‌های تحت کنترل، بهره‌برداری شود. داعش در دوران اوج قدرت خود، کنترل حدود دوازده میدان نفتی بزرگ و نفت‌خیز را در دست داشت و روزانه 3 میلیون دلار از محل فروش منابع نفتی، درآمد

۴۸. TTP
۴۹. Maiduguri
۵۰. Raqqa
۵۱. Idlib
۵۲. Mukalla
۵۳. Al Qaeda in the Arabian Peninsula
۵۴. Al-Muqallah
۵۵. Palmyra

داشت (Rose-Greenland, 2016, 3). حتی آن دسته از گروه‌های تروریستی نیمه‌دولتی که به پشتیبان قدرتمندی وابسته‌اند و پول و سلاح از طریق این کشور پشتیبان به این گروه‌ها می‌رسد، در مقایسه با سازمان‌های تروریستی موج‌های پیشین، توانایی‌های چشمگیری برای تأمین مالی خود دارند (Honig & Yahel, 2019, 1222). به‌طورکلی، منابع مالی گروه‌های این دسته، مالیات و باج‌گیری، فروش نفت و مواد اولیهٔ خام معدنی، مواد مخدر، و گاهی دریافت کمک‌های مالی از پشتیبانان، طرفداران، و همفکران است.

۴-۵. تاکتیک‌ها و تعداد عناصر عملیاتی و مبارزان گروه‌ها

منتقدان نظریهٔ موج پنجم ممکن است به این واقعیت اشاره کنند که تروریست‌های نیمه‌دولتی هنگامی‌که تصمیم به عملیات تروریستی می‌گیرند، از تاکتیک منحصربه‌فردی که بتوان به‌عنوان ویژگی اصلی آن‌ها درنظر گرفت، استفاده نمی‌کنند؛ به‌عنوان مثال، داعش در بسیاری از عملیات انجام‌شده تاکنون، به اقدامات انتحاری و خودروهای بمب‌گذاری‌شده (یا ترکیبی از حملات مسلحانه و بمب‌گذاری انتحاری مانند حملهٔ پاریس) تکیه کرده است. با نگاهی دقیق‌تر، این نکته آشکار است که ویژگی موج چهارم، بمب‌گذاری‌های بی‌رویه بوده است؛ درحالی‌که برخی از گروه‌های تروریستی نیمه‌دولتی (به‌ویژه الشباب و بوکوحرام)، در عملیات خود بر حملات مسلحانه متکی هستند. بر پایهٔ داده‌های وب‌سایت پایگاه جهانی تروریسم[۵۶]، 65 درصد از حمله‌های منتسب به القاعده (موج چهارم) و همچنین، 64 درصد از حمله‌های داعش (موج پنجم) حمله‌های بمب‌گذاری بوده است. در گروه‌های تروریستی نیمه‌دولتی دیگر، وضعیت متفاوت است؛ به‌عنوان نمونه، بوکوحرام، حمله‌های انتحاری پرشماری را اجرا کرده و از زنان و کودکان به‌عنوان عاملان انتحاری استفاده کرده است. در تاکتیک‌های گروه بوکوحرام، تنها 25 درصد حمله‌ها، بمب‌گذاری و 46 درصد، مسلحانه بوده است. الشباب نیز در 33 درصد از عملیات خود از بمب‌گذاران انتحاری یا خودروهای بمب‌گذاری‌شده استفاده کرده است (Global Terrorism Database, 2017, 1-7).

شاخه‌های نظامی و عملیاتی گروه‌های تروریستی موج پنجم، بسیار قوی‌تر از سازمان‌های تروریستی موج چهارم هستند. راپوپورت مدعی شده است که القاعده، بزرگ‌ترین گروه موج چهارم، 5000 عضو داشته است (Rapoport, 2004, 63). الشباب، دارای 7000 تا 9000 جنگجو است و مشخص نیست که تعداد اعضای بوکوحرام دقیقاً چند نفر است و برآوردها بین 9000 (سیا) تا 15000 (عفو بین‌الملل) عضو، متغیر است (Michaels, 2014, 12). دلیل این اتفاق این است که کنترل گروه‌های تروریستی نیمه‌دولتی بر جمعیت به‌این‌معنا است که آن‌ها می‌توانند از ظرفیت نیروی انسانی قلمرو خود و کشورهای اطراف استفاده کنند. آن‌ها اغلب چنین نیروهایی را برای دفاع از مناطق وسیع خود ایجاد می‌کنند. این واقعیت که گروه‌های

۵۶. GTD

تروریستی موج پنجم، نیروهای مسلح و عناصر مبارز بسیار بیشتری نسبت به گروه‌های تروریستی معمولی و به‌ویژه گروه‌های موج چهارم دارند، به‌این‌معنا است که رفتار راهبردی آن‌ها کاملاً متفاوت است. درواقع، زمانی که یک گروه تروریستی، نیروی انسانی قابل‌توجهی برای انجام عملیات علیه کشور یا کشورهای هدف دراختیار داشته باشد، رفتارش در حوزهٔ سیاست خارجی متفاوت خواهد بود؛ زیرا، قدرت چانه‌زنی و بازدارندگی قابل اتکایی خواهد داشت.

۵-۵. ماهیت اهداف تروریست‌ها و تأثیر آن بر رفتارهای تروریستی

جنس و نوع هدف، تعیین کنندهٔ انگیزه، رفتار، و تحرکات تروریست‌ها خواهد بود. در موج پنجم تروریسم، اقدام تروریستی علیه مسلمانان، در مقایسه با گروه‌های تروریستی موج چهارم، بیشتر است. گروه‌های تروریستی موج چهارم (مانند القاعده) در بیشتر موارد به یهودیان یا مسیحیان یا دست‌کم به اهداف غربی حمله کرده‌اند. این امر نشان‌دهندهٔ تکفیری‌تر شدن تروریست‌های موج پنجم تروریسم است. در موج پنجم، در مقایسه با موج چهارم، حمله‌های مرگبار کمتری به اهداف غربی انجام شد. حمله‌های داعش در پاریس[۵۷] و بروکسل[۵۸]، حمله‌های القاعده مستقر در شبه‌جزیرهٔ عربستان[۵۹] به دفتر «شارلی ابدو» و «هایپر کوشر» (سوپرمارکت یهودی) در ژانویه 2015 و همچنین، حملهٔ الشباب به مرکز خرید وستگیت[۶۰] در کنیا، متعلق به این دسته است. به‌نظر می‌رسد، حمله به اهداف غربی / غیرمسلمان به‌عنوان اقدامی نمادین و بیشتر در قالب گرگ‌های تنها انجام شده است. اما اولویت این گروه‌ها، افراد غیرغربی بوده‌اند(Honig & Yahel, 2019, 1223). این شرایط به‌این‌سبب اهمیت دارد که نشان می‌دهد، موج پنجم تروریسم، به‌جای پیروی از آنچه شریعت می‌نامد، در پی کسب قدرت و ایجاد حکمرانی است. در مؤلفه‌های پنج گانهٔ مطرح‌شده سعی شد مهم‌ترین ناهمسانی‌های موج نوین و امواج پیشین تبیین شود که در جدول شمارهٔ (۲) می‌توان خلاصه‌ای از مهم‌ترین مفاهیم آن را مشاهده کرد:

جدول شماره (۲). مهم‌ترین مؤلفه‌ها و مفاهیم مطرح در موج نوین تروریسم

۵۷ . در ۱۳ نوامبر ۲۰۱۵، تعدادی حملهٔ هماهنگ‌شدهٔ تروریستی، ازجمله تیرباران‌های دسته‌جمعی و بمب‌گذاری‌های انتحاری در منطقه‌های یکم، دهم، و یازدهم شهر پاریس، منجر به کشته شدن ۱۳۰ نفر و مصدوم شدن ۳۶۸ نفر شد.

۵۸ . در ۲۲ مارس ۲۰۱۶ (۳ فروردین ۱۳۹۵) سه انفجار در بروکسل، پایتخت بلژیک رخ داد که دو انفجار آن در فرودگاه بروکسل و دیگری در ایستگاه مترو بود. در این انفجار، ۳۴ نفر کشته و ۱۳۶ نفر زخمی شدند و داعش مسئولیت آن را پذیرفت.

۵۹ . AQAP

۶۰ . Westgate mall

مفاهیم و مؤلفه‌های موج نوین تروریسم	تشریح و تبیین مؤلفه‌ها
تروریسم نیمه‌دولتی	در ابتدا بخش‌هایی از قلمرو یک دولت ضعیف را کنترل و حاکمیت خود را در آنجا ایجاد می‌کنند. حمله‌های تروریستی‌ای به کشورهای دیگر انجام می‌دهند و به‌سوی تثبیت و حکمرانی نیز پیش می‌روند.
دولت‌های ضعیف و شکننده	یکی از دلایل اصلی ظهور و رشد تروریسم نیمه‌دولتی است. تروریسم نیمه‌دولتی، به‌دلیل ناتوانی این‌گونه دولت‌ها در مدیریت بحران‌های درون‌سرزمینی و ضعف توانمندی‌های نظامی و امنیتی، قادر به تصرف بخش‌هایی از سرزمین آن‌ها می‌شوند.
گفتمان مذهبی موردادعا	گروه‌های تروریستی در موج نوین، فهم و تصویر کاملاً متفاوتی از اسلام و گفتمان مذهبی دارند و برساختهٔ جدیدی از گرایش‌های مذهبی و نوع رویارویی با جهان و حکمرانی ارائه داده‌اند.
کیفیت محافظت از قلمرو	تروریسم نیمه‌دولتی بر پایهٔ اهداف و چشم‌اندازهای خود، اقدام به کنترل و ادارهٔ مناطق خاصی از جغرافیای یک یا چند کشور می‌کند و گاهی نیز عقب‌نشینی راهبردی انجام می‌دهد.
ماهیت اهداف تروریست‌های نوین	در موج پنجم، در مقایسه با موج چهارم، حمله‌های مرگبار کمتری به اهداف غربی انجام می‌شود. حمله به اهداف غربی / غیرمسلمان به‌عنوان اقدامی نمادین و اغلب در قالب گرگ‌های تنها انجام شده است. موج پنجم تروریسم به‌جای پیروی از آنچه شریعت می‌نامد، در پی کسب قدرت و ایجاد حکمرانی است.

نتیجه‌گیری

دگرگونی‌های اخیر تروریسم و ظهور گروه‌های تروریستی نوین در منطقهٔ غرب آسیا و شمال آفریقا، مسئلهٔ پیچیده و مهمی است که دغدغه‌هایی را برای پژوهشگران و اندیشمندان، افکار عمومی، و بسیاری از کشورهای جهان ایجاد کرده است. مایک پنس[۶۱]، معاون رئیس‌جمهور سابق آمریکا، در سخنرانی ژانویهٔ 2019 در وزارت امور خارجهٔ این کشور، پیروزی بر داعش در سوریه را اعلام کرد و اظهار داشت: «ما خلافت داعش را در هم شکستیم و توانایی‌های آن را نابود کردیم. ما هرگز اجازه نخواهیم داد که بقایای داعش، خلافت شیطانی و کشندهٔ خود را بازسازی کنند؛ نه در حال حاضر، نه هیچ‌وقت». سخنان پنس، اندکی بعد به‌شدت موردتمسخر قرار گرفت؛ زیرا، تعدادی از سربازان ارتش آمریکا و پیمانکاران دفاعی، ساعاتی بعد در انفجار داعش در منبج[۶۲] سوریه کشته شدند. بااین‌حال، اشارهٔ پنس به شکست خلافت، معنادار بود و بر نقش کلیدی کنترل سرزمینی تروریسم به‌مثابه مؤلفه‌ای مهم و یکی از دلایل مداخلهٔ ایالات متحده تأکید داشت. به بیان روشن‌تر، در موج جدید تروریسم، رابطهٔ بین تروریسم و حاکمیت بر یک بخش مشخص از سرزمین، وجه مهم و جدیدی از ظهور تروریسم به‌شمار

۶۱. Mike Pence

۶۲. Manbij

می‌آمد (Radila & Pinos, 2019, 1). همچنین، سخنرانی پنس یادآور این موضوع است که گروه‌های تروریستی همچنان در نظام بین‌المللی معاصر، بازیگران سیاسی مهمی هستند. در پژوهش حاضر، به این پرسش مهم پرداخته شد که «تروریسم نیمه‌دولتی به‌مثابه پدیده‌ای جدید، نمایانگر یک موج کاملاً جدید است یا باید آن را به‌عنوان تحولی در موج چهارم به‌شمار آورد؟» اگر این شکل از ترور، واقعاً جهانی شود، تروریسم نیمه‌دولتی، به‌دلیل حاکمیت فعال خود بر سرزمین‌ها، یک چالش سیاسی ــو نه‌تنها امنیتی‌ــ برای جهان خواهد بود. این واقعیت که برخی گروه‌های تروریستی، مرزهای به‌رسمیت‌شناخته‌شده را نقض کرده و می‌توانند کشورهای عضو سازمان ملل را از هم بپاشند و موفق به حکمرانی بر بخش‌هایی از آن‌ها شوند، می‌تواند الهام‌بخش گروه‌های دیگر باشد؛ چه به‌شکل تروریسم نیمه‌دولتی و چه به‌شکل جایگزینی برای حاکمیت. این دگرگونی‌ها می‌تواند نوعی تهدید جدی سیاسی برای بسیاری از کشورها باشد؛ بنابراین، باید بررسی شود که چگونه کشورهایی که به‌طور مستقیم تحت تأثیر تروریسم نیمه‌دولتی بوده‌اند، با این بحران مقابله می‌کنند. نمی‌توان به این پرسش به‌گونه‌ای قطعی پاسخ داد. پدیدهٔ تروریسم نیمه‌دولتی باید بیشتر گسترش یابد تا به یک موج واقعاً جهانی تبدیل شود؛ به‌عنوان مثال، یک اقدام نظامی قابل‌توجه از سوی غرب برای از بین بردن داعش می‌تواند جذابیت شکل جدید سازمان‌های تروریستی را در نقاط دیگر جهان کاهش دهد. صرف‌نظر از اینکه آیا شاهد موج پنجم هستیم یا خیر، با ظهور این شکل جدید تروریسم مدرن، چندین پرسش مهم مطرح می‌شود: نخست اینکه، نتیجهٔ انحلال تروریسم نیمه‌دولتی چیست؟ همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در مورد داعش و بوکوحرام، از دست دادن قلمرو به‌معنای پایان سازمان نیست، بلکه تغییر شکلی به انواع گوناگون گروه‌های تروریستی است که بدون‌شک، جذابیت و خطر کمتری دارند؛ بنابراین، کشورهای درگیر تروریسم نیمه‌دولتی و سایر کشورهای غربی باید در پی راهی برای برطرف کردن آسیب‌پذیری ناشی از فعالیت و حضور گروه تروریستی و حذف کامل آن باشند؛ دوم اینکه، چرا برخی از گروه‌های تروریستی نیمه‌دولتی مانند داعش و بوکوحرام به رفتارهای تجدیدنظرطلبانهٔ خود پایبندند، درحالی‌که برخی دیگر سعی می‌کنند با کشورها برای تعدیل اهداف خود مذاکره کنند یا با تغییر نام، مسیرهای دیگری را تجربه نمایند.

پژوهشنامهٔ ایرانی سیاست بین‌الملل
دورهٔ ۱۱، شمارهٔ ۲، شمارهٔ پیاپی۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

References

Abbas, H. (2008). A Profile of Tehrik-i-Taliban Pakistan. CTC Sentinel, 1(2), 1–4.

Ahmadian, Gh., Baniashraf. S. (2020). The Post-Modern Capitalism and the Rise of the 5th Wave of Terrorism. Oreign Relations Quarterly, 12(1).

Alwly, A. (2016). Despite Arab, US Attacks, AQAP Still Holding Out in Yemen. Al-Monitor, May 13, 2016.

Ambinder, M. (2013). How the CIA Really Caught Bin Laden's Trail. The Week, April 29, 2013.

Anderson, S. (2016). Fractured Lands: How the Arab World Came Apart. The New York Times, August 10, 2016.

Balanche, F. (2016). Rojava's Sustainability and the PKK's Regional Strategy. The Washington Institute, available at: http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/rojavas-sustainability-and-the-pkks-regional-strategy (accessed August 24, 2016).

Bergesen, A. J. & Lizardo, O. (2004). International Terrorism and the World-System. Sociological Theory, 22(1), 38–52.

Busari, S. (2016). Boko Haram Sought Terror Training in Omalia. CNN. February 26.

Cockburn, P. (2016). We Finally Know What Hillary Clinton Knew All Along—US Allies Saudi Arabia and Qatar are Funding ISIS. The Independent. October 14, 2016.

Crenshaw, M. (1981). The Causes of Terrorism. Comparative Politics. 13(4), 379–399.

Drwish, S. (2016). Why Syria's Kurds Are Cooperating with Russia. Al-Monitor. June 22, 2016.

Eldar, Shlomi, (2012). To Know Hamas (Jerusalem: Keter, 2012), 183–7.

El-Ghobashy, Tamer (2015). Islamic State Claims Responsibility for Deadly Bus Attack in Tunis. The Wall Street Journal, November 25, 2015.

Feyyaz, M. (2020). Communication (un) Savviness and the Failure of Terrorism: A Case of Pakistani Terrorist Organizations. Dynamics of Asymmetric Conflict. 13: 1, 24-46.

Ghanmi, E., Punzet, A. (2016). The Involvement of Salafism/ Wahhabism in the Support and Supply of Arms to Rebel Groups. Brussels: European Strategic.

Global Terrorism Database (GTD). (2017). Analytical Reports to Shed Light

on the Frequently Misunderstood Topic of Terrorism December10, available at: https://www.start.umd.edu/gtd/search/Results.aspx?charttype=pie&chart=attack&casualties_type=&casualties_max=&perpetrator=20029, https://www.start.umd.edu/gtd/search/Results.aspx?charttype=bar&chart=attack&casualties_type=&casualties_max=&perpetrator=40151.
Hayeri, M. (2020). Afghanistan's Next : The Limits of 'Shabaab-CARE. Winterbotham: Royal United Services Institute.
Honig, O., Yahel, I. (2019). A Fifth Wave of Terrorism? The Emergence of Terrorist Semi-States. Terrorism and Political Violence, 31: 6.
Jackson, R. (1993). Quasi-States. Cambridge: Cambridge University Press.
Karamzadi, M, khansari fard, M. (2021). Women, Gender and Terrorism. Political and International Approaches, 12(3), 145-174. (in Persian).
Kaplan, J. (2007). The Fifth Wave: The New Tribalism?. Terrorism and Political Violence, 19(4), 545–570.
Kaplan, J. (2008). Terrorism's Fifth Wave: A Theory, A Conundrum and a Dilemma. Perspectives on Terrorism, 2(2), 12–24.
Kaplan, J. (2016). A Strained Criticism of Wave Theory. Terrorism and Political Violence, 28(2), 228–235.
Kissinger, H. (2006). After Lebanon. Washington Post, September 13.
Koolaee, E., Akbari, Z. (2017). Fragile State in Iraq and Women Security. Political quarterly, 47(1), 159-177. (in Persian).
Kumar, R. (2020). Taliban Launches Campaign to Help Afghanistan Fight Coronavirus. Aljazeera, 6 April 2020, available at: https://www.aljazeera.com/news/2020/04/taliban-launches-campaignafghanistan-fight-coronavirus-200406055113086.html.
Lia, B.(2015). Understanding Jihadi Proto-States. Perspective on Terrorism, 9(4).
Mae, L. and Smith, E. (2015). Haji Bakr: Former Saddam Hussein Spy Is Mastermind behind Isis Takeover of Northern Syria and Push Into Iraq. Independent, April 20.
Massalaki, A. (2015). Boko Haram Fighters Kill At Least 15 in Niger Village Raid. Reuters, September 25.
Mehran, W., Imiolek, D., Smeddle, L., Gilling, J. (2020). The Depiction of Women in Jihadi Magazines: A Comparative Analysis of Islamic State, Al Qaeda, Taliban and Tahrik-e Taliban Pakistan. Small Wars & Insurgencies, 31(7). (in Persian).

Michaels, J. (2016). New U.S. Intelligence Estimate Sees 20-25K ISIL Fighters. USA Today, February 6.
Miller, E. (2015). In Al-Nusra Front's Syria, No Room for Religious Minorities. The Times of Israel. May 29.
Mobini keshe, z., Omidi, A. (2020). Fourth Wave of Terrorism and the Future Trends of International Terrorism. The Iranian Research letter of International Politics, 7(2), 239-264. (in Persian).
Obeidallah, D. (2014). The Boko Haram Terrorists Are Not 'Islamic. The Daily Beast, December 5.
Power, C. (2014). 5 Reasons Boko Haram Is Un-Islamic. Time, May 15.
Radil, M., Pinos, J. (2019). Reexamining the Four Waves of Modern Terrorism: A Territorial Interpretation. Studies in Conflict & Terrorism, DOI:10.1080/1057610X.2019.1657310.
Raghavan, S., Booth, W. (2016). Israel, Hamas and Egypt Form Unlikely Alliance against Islamic State Affiliate. The Washington Post, April 30.
Rapoport, D. (2021). The Capitol Attack and the 5th Terrorism Wave. Terrorism and Political Violence, 33:5, 912-916, DOI: 10.1080/09546553.2021.1932338.
Rapoport, D. (2004). The Four Waves of Modern Terrorism. Washington, DC: Georgetown University Press.
Rasler, K., Thompson, W. R. (2009). Looking for Waves of Terrorism. Terrorism and Political Violence, 21(1), 28–41.
Reuter, C. (2015). Secret Files Reveal the Structure of Islamic State. Der Spiegel, April 18.
Rose-Greenland, F. (2016). How Much Money Has ISIS Made Selling Antiquities?. The Washington Post, June 3.
Samer, A.(2016). Syria War: Who Are Jabhat Fateh al-Sham?. BBC, August 1.
Sändig, J. (2015). Framing Protest and Insurgency: Boko Haram and MASSOB in Nigeria. Civil Wars, 17(2), 148-160.
Sedgwick, M. (2007). Inspiration and Origins of Global Waves of Terrorism. Studies in Conflict and Terrorism, 30(2), 97–112.
Shariatic, Sh., Vakili. B., Ghorbani Sheikhneshin, A. (2020). Signs of Emergence the Fifth Wave of International Terrorism. The Quarterly Journal of National Security, 10(38). (in Persian).
Thompson, W. R. (2006). Emergent Violence, Global Wars, and Terrorism. Amsterdam: IOS Press.
Toft, M. (2007). Getting Religion? The Puzzling Case of Islam and Civil War. International Security, 31(4), 97–131.

Weinberg, L., & Eubank, W. (2010). An End of the Fourth Wave of Terrorism?. Studies in Conflict & Terrorism, 33(7), 594–602.
Zelin, A. (2020). New Video Message form the Islamic Emirate of Afghanistan: Health Centers Have Been Opened in Kunduz Province to Prevent Corona: Prevention and Public Awareness. Jihadology, 27 Marc, available at: https://jihadology.net/2020/03/27/new-videomessage-from-the-islamic-emirate-of-afghanistan-health-centers-have-been-pened-in-kunduzto-prevent-corona-prevention-and-public-awareness
Zimmerman, K. (2015). AQAP: A Resurgent Threat. CTC Sentinel, 8(9), 21-27.